بسمه تعالی



بازار ایران برای ایرانی گران و برای غیر ایرانی ارزان است

نادر حسن زاده

(تاریخ نشر ۱۳۹۸/۹/۲۰. تاریخ دومین نسخه بازبینی ۱۳۹۸/۹/۲۱)

hasanzadehr@yahoo.com

فرمول ساده است. این اقتصاد کمر شکن است. با جیب مردم سازگار نیست. چند دهه است درآمد مردم به ریال و مخارج ایشان به دلار است. جنگ نیست. تحریم است. بسیار هم کمر شکن است. بی اعتمادی روی دیگر سکه است. پول ملی بعنوان یک متغیر تعیین کننده در برابر ارزهای خارجی در نوسان شدید است. عرضه کنندگان کالاها هم بدشان نمی آید یک شبه ره صدساله را بروند. یک شب را برای خود هزار شب بکنند. قصه های هزار و یک شب را در هر روز زندگی خود تجربه بکنند: نوسان مفت-درآمد مفت-غذا مفت-گوشت مفت-عرق مفت-زن مفت-مواد مخدر مفت-مسافرت خارج از کشور مفت-ویلا مفت- از همه مهمتر وجود مفت. دیگر اقشار جامعه اما در تنگنای معیشتی سخت قرار دارند. آرزوی مرگ کردن برای ایشان ساده تر از آرزوی داشتن یک زندگی شرافتمندانه است. جراحی های موضعی هم کمکی به مردم نکرده است. بلکه مردم را هر از گاه دچار شوک های فلج کننده کرده است. امیدی هم به برداشتن تحریم ها نیست. زیرا طرف مقابل در فکر تغییر نظام است. جنگ نرم او بدتر از جنگ سخت اوست. هیچکس هم جوابگو نیست. بخصوص به خدا. انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷محصول مشارکت های مردمی، رهبری و امدادهای غیبی بود. بندگان راستین خدا پیشتاز بودند. بذر پاشیدند تا بارور شد. خون دادند تا صاحب جمع شد. صاحب پرچم اسلامی شد. در جرگه کشورهای مقدم جبهه اسلامی شد. پسوند همه اسامی در کشور اسلامی شد. اما امروز کار بجائی رسیده است که **دولتمردان هم کم قافیه شده اند. کم آوردند. کم حافظه شده اند. سازش کار شدند. بودند نشدند. بدشان نمی آید به یک سازش بزرگ اما دست نایافتنی دست یابند. اما نمی شود.** مردم امروز درمانده اند. هنر کنند کار خود را می کنند. نامردها هم تا می توانند ظلم می کنند تا عاقبت به شر بشوند. این وسط خداست که باید بداد بندگان صالح خود برسد.

برنامه ریزهای دولت:

او می داند دولت و ملت مصرف کننده اند. او با پول نفت پز می دهد اینهم از خرج پول نفت. قیمت پایه مطلوب برای همه دولت ها پایه خلیج فارس بوده است. اما تراز کردن پایه پولی با پایه خلیج فارس چندان آسان نیست. لذا شرط عقل می گوید ملاحظه کار باش تا از خشم مردم در امان باشی. همه آگاهند که قدرت خرید مردم در حد کف بازار تجریش هم نیست. قزل قلعه هم نیست. میدان بزرگ شوش هم نیست. اصلا نیست. کالای مجانی دریافت نکنند تضمینی برای صبح فردای ایشان نیست. چرا که بحث از زیر خط فقر گذشته و به زیر خط فقر مطلق کشیده شده است. امری که بین علمای فن اختلاف است. اصرار از سوی اقتصاددانان و انکار آن از جانب سیاستمداران! بدبختانه همه آنهائیکه این مباحث را می کنند از طبقات مرفه جامعه و دو دهک بالای جامعه اند. اصلا نمی دانند سفره بی جان اما با نان، مریض بدون دوا، شرمندگی در مقابل فرزندان، بی خوابی در شب یعنی چه.

کسی هم نمی آید یک فرمول جامع بدهد. به یکباره همه چیز را خلیجی بکند. کالای ایرانی را گران بکند. حباب همه کالاها را بترکاند. باد صادرات کاذب را خالی بکند. قاچاق را صفر بکند. ریال را زیر و رو بکند. ارز ایران را ارز مطرح منطقه بکند. تا هر ارز ننه من غریب فکستنی بر ریال ایران پیشی نگیرد. خرید بر ایرانی مناسب و بر خارجی ارزان باشد. این الفبای اقتصاد مردمی است. می دانم اقتصاد ایران و کشورهای پیرامونی توان این تحول را ندارند. قوه ناچیز دارند اما راه حل های موجود هم کمتر از این راه حل نیست.

اساسا اگر یک روزی قیمت پایه بنزین/برق/آب/حمل ونقل/حقوق/... را به قیمت پایه گران ترین کشور منطقه (ترکیه) ارتقا یابد و درآمدهای مردم نیز به همان میزان افزایش یابد چه نگرانی از اینکه، قبض برق ۱ میلیون تومان/گاز ۲ میلیون تومان/ بیمه های مختلف۵ میلیون تومان/ گوشت ۵۰۰ هزار تومان/ مالیات ۵ میلیون تومان/..باشد مهم ته جیب مردم است که باید قدرت پس انداز داشته باشد. ۵ میلیون تومان ذخیره ماهیانه برای روز مبادا/روز سفر/روز تفریح/ امر خیر، کمترین انتظار از یک حقوق معمولی است. ماه بعد و سال بعد خوری از عجایب تاریخ است.

یک دلار به ۱۴۰۰۰ تومان اقتصاد ارزان است

یک دینار عراقی ۱۰۰۰ تومان

یک افغانی ۲۰۰ تومان نتیجه تحریم های همه جانبه است

کسی را که دلار است ایران بهشت جهان است

اقتصاد ایران از ابتدا ارزان بود

چون نفت داشت، باغ داشت، باد داشت، دریا داشت، کوه و دمن داشت، چهار فصل داشت، تاریخ و جغرافیای بی نظیر داشت. همه اینها و جز اینها ارزانی را برای مردم ایران گرامی می داشت

داستان تحریم ها از آنجا شروع شد که ایران (دانشجویان) وارد سفارت آمریکا شد. متعاقب آن جنگ ۸ ساله بر ایران تحمیل شد

می شد سالهای جنگ را کم کرد اما کمتر نشد

هرچه فشار بود بر سر مردم آمد

اندوخته های مردم در خانه ها و بانک ها بتدریج صفر و صفرتر شد

اگر توزیع کوپن های سرشمار نبود نجاتش از محالات بود

مردمی که عادت داشتند به سال آذوقه خود را انبار کنند

پا به ماه شدند

امروز چی؟ نیم روز هم نیست

سرسام گرفتند از بس پیروز شدند

هر روز یک شاخص بیکاری است

بیعاری است

بیزاری است

بیداری است

فلاکت هم بیماری است

هلندی نیست (Dutch disease) ایرانی است

تلفات تدریجی، آنی، کاری است

سهمگین تر از آن ساری است

در دشت ورامین جاری است

در دشت تهران خواری است

درمان این اقتصاد چاقی است

چاق نباشد شاکی است

همیشه صحبت از فوب (تحویل در عرصه کشتی=FOB) خلیج فارس است

این فارس که ایرانی است

این خاک که ایرانی است

خلیج هم که ایرانی است

مفت ترین عرضه، عرضه ایرانی است

صادرات و واردات ایرانی

بدترین نشان ایرانی است

قاچاق دستور کار ایرانی است

فروش خاک ارزانی است

قروض اشخاص میلیاردی است

احتکار طعمه شب

اعتصاب صعومه شب

افتخار کهنه شب

با اینهمه همه چیز عادی است

پنیر ۲۰۰ گرمی در ظرف ۵۰۰ گرمی است

ماست در صف گوشت

گوشت در صف هوش

هوش در صف نوش

نوش ترین بسته کوچ

به کجا؟ آنجا که خبر نیست

پریشان خبری نیست

شاید که بترسم

شاید که برنجم

ولی چاره از این نیست

ریال برده ما نیست

دلار عرضه ما نیست

نگاه بر تو عزیز است

چقدر پیرتر از این است

همه اکسیده شدند

دود شدند

گور شدند

قصه دیروز شدند

بزن مسلک توست

بخند گریه توست

اگر مکتب توست

خاک را به نظر کیمیا کند

شب را به روز روزشمار کند

داغ را به باغ آشنا کند

ساک را به ساق سازگار کند

کمری راست کند

مردمک را به جنس ارزان آشنا کند

بهشت را در زمین استوار کند

قیمت را خلیج خلیج را بی خیال کند

مردم را به خوردن خشکبار امیدوار کند

پسته را بی پوست گوشت را به دوغ وامدار کند

بزند سیم آخر آخرین سیب را هم خوشگوار کند

آیا واقعا رسیدن به این حداقلی ها رویاست؟ رویا بود که در ریاست جمهوری ماقبل قبل به هر خانواده وعده یک ویلا نمی دادند. ایران کشور ضعیفی نیست. قوی ترین کشور منطقه است. مردم ایران روی گنج نشسته اند. نسل های او گنجورند. جنگجویند. مساحت کشورشان بی نظیر است. اقوام معتقد و متحد دارد. کمی مسائل کشورشان پیچیده است. آنهم بر می گردد به میزان خواب و بیداری ما. به بیتابی ما. دشمن نشناسی ما. اگر همه کشورها دشمن دارند ایران دشمنان متعدد دارد. روزانه فتنه می کنند و روزانه بستر آن را خودی ها آماده می کنند. لذا دشمنان داخلی خطرناک تر از دشمنان خارجی هستند. خارجی رقیب است. داخلی دشمن عوام فریب است. شب بفکر احتکار است. روز بفکر احتضار است. حسود است که بر سر مراد نیست که بر سر قوا نیست. همیشه در کمین است.

اگر پس از پایان جنگ ۸ ساله، برنامه های سازندگی با ولخرجی و حاتم بخشی همراه نبود. اقتصاد و اخلاق با هم پیشتاز بودند. احترام بزرگترها نگه داشته می شد. سلسله مراتب اداری رعایت می شد. صرفه جوئی حرف اول را می زد. رافت اسلامی شامل حال دزدان آشنا نمی شد. ایران امروز کمتر از مالزی نبود. نگفتیم سوئد. مالزی که بود. البته انتظار از آن بیش از اینها بود:

نجات مردم مستضعف. نجات انسان مستاصل. ارائه نسخه اصیل اسلام. تماشای وجود انسان. رقابت با مکاتب غرب و شرق. نفی فرضیه دین افیون ملت ها. پیام آور صلح و دوستی و.. رگه های از آن هنوز در این انقلاب وجود دارد. اتفاقا گلایه و

نگرانی غرب هم از این ناحیه است. منتها داخلی ها متوجه خود و خانواده های خود هستند. ایثار را خوردند نثار را بردند. پاسداران حقیقت پاس بخش های طریقت شدند. خواب را دو وقت ظهر و شب می کنند. گنج را در چند جا دسته می کنند.

هرچه مردم کشیدند از دست این مقامات بود. مردم هم کم گناه نبودند. بیشترین ها شریک جرم بودند. بانک ها را با هم زدند. شیرها را با هم دوشیدند. جک حوضی ها را با هم رفتند. سونا خشک و بخار را با هم کردند. خارج هم که رفتند چمدانها را با هم دست بدست کردند. آقایان سفری جدا و خانم ها سفری جدا. هیچوقت فرصت نشد با هم سفر کنند. چون ماموریت این دو متفاوت بود. خانم ها مشغول خرید بودند آقایان مشغول چال کردن مال مردم در فرنگ بودند. نگرانی هم از توبیخ و مجازات نبود.

تا اینکه سیل آمد: راهش را پیدا نکرد. چون راهش را به خودی ها و نفوذی ها فروخته بودند. رفت منازل را، جاده ها را و تمام زیرساخت ها را نابود کرد. چند صد میلیارد تومان خسارت این سیل ها بود. از کجا جبران شد از جیب ملت (بیت المال).

زلزله آمد: خانه ها را سست بنیاد دید. زیرا مهندسین ناظر با پیمانکاران متخلف همدست بودند. ساختمانهای شهرک اکباتان تهران با ۴۵ سال ساخت (۱۳۵۴) تاکنون شاهد چند زلزله مرگبار بود. لرزید اما نریخت. خانه های مسکن مهر با دو سال ساخت در زلزله کرمانشاه بیشترین خسارت را دید. دولت مکلف شد بجای ساخت خانه های جدید با پول ملت (بیت المال) خانه های ویران شده را بازسازی بکند. چند ده میلیارد تومان خدا می داند.

مردم بی ماوا شدند: بخاطر تبعیض و فقر و فساد و عقب ماندگی های ویژه این گروه. دولت دست بکار شد. خود برای مردم خانه ساخت. ۵۰ هزار میلیارد تومان در مدت ۸ سال هزینه ساخت مسکن مهر از خزانه ملت شد.

مردم بی ماوا بی نوا هم شدند: هربار که دولت آب و برق و بنزین و.. را گران کرد. صدای ناله مردم بیشتر و بلندتر شد. او هم مجبور شد یارانه بدهد. اول نقدی بود. بعد از تظاهرات آذرماه سال جاری معیشتی هم شد کل حاتم بخشی باز از کیسه خلیفه (بیت المال).

روسای بانک ها و موسسات اعتباری هم دست بکار شدند: تعدادی از روسا و مدیران شعب بانک‌ها و صندوق ها و موسسات اعتباری با تبانی های متهورانه حسابهای بانکی مردم را خالی کردند و میلیاردها تومان از پول پس انداز مردم را به خارج از کشور انتقال دادند. دولت هم که اعتراضات مردمی را دید به نمایندگی از خود و نه ملت خسارتهای میلیاردی را از بیت المال پرداخت کرد. چند صد میلیارد تومان خدا می داند.

در این مدت افرادی هم نجومی شدند: تعدادی حقوقهای نجومی/مسافرت های نجومی/واحدهای مسکونی نجومی/ وچه چه شدند. هر کدام یک اطاق بازرگانی سیار شدند. اینقدر پولدار شدند که صراف شدند. هر کدام صاحب یک کارت بازرگانی شدند. گفتند حق ما از سفره انقلاب بود! امروز معلوم شده است حضرات در صف جهنم که با همین کارت ها وارد دوزخ خواهند شد از محل همین کارت های یکبار مصرف ۲۸ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی دارند (برابر با عایدی دولت از گرانی اخیر بنزین).

تا اینکه خبر دقیق از گم شدن دارائی های ارزی دادند: این را در یزد اعلام کردند. ارقام نجومی اعلام شده به ترتیب: ۱۰ میلیارد دلار، ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، ۹۴۷ میلیون دلار، ۷۰۰ میلیون دلار و ۱۸ میلیارد دلار که مورد آخر مربوط به خود دولت در سال گذشته (۱۳۹۷) است و بر آن توجیه دارند. با این پول ها می شد یک ایران دیگر را هم اداره کرد.

بدترین اقدام واگذاریهای رایگان اموال ملت بود: اصل مترقی۴۴ قانون اساسی از همان ابتدا مرده بدنیا آمد. از اوائل دهه هفتاد اموال غیرمنقول دولتی (ملی) به نسبت ۱ به۱۰به خصولتی ها داده شد. واگذاریهائی که از جیب به جیب بود. به ثمن بخس بود. سهام عدالت پیشکش سهام خجالت بود. دو نمونه از آن واگذاری های رسانه ای شده شرکت هپکو و شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه به نوجوانان بود.

مردم مستضعف چه باید می کردند؟ چقدر باید می دیدند و صدایشان در نمی آمد. منتظر یک جرقه بودند. چند بار هم تجربه کرده بودند. اما این بار (آذر ۱۳۹۸) سوت نزدند چراغ زدند. به مستضعفان قبل از انقلاب که امروز صاحب مناصب و مدارج شدند. صاحب اموال شدند. اولاد شدند. داماد شدند. وصلت های بین خودی شدند تاسی جستند. گفتند مرگ یکبار شیون یکبار. اگر در بین فامیل/ همسایگان/ همکاران افرادی که بعضا هم سهمی در پیروزی انقلاب نداشتند یک شبه قارون فامیل/محله/شهرها شدند چرا ما نه؟ به رسم یادبود به خیابانها ریختند. جان عزیز خود را بر کف دست گذاشتند و وارد صحنه ائی شدند که دوست و دشمن پیش از او در میدان عمل حاضر بودند، آماده اقدام بودند. لذا خوب ها پرپر شدند، دورها جان سالم بدر بردند. حلقه ها گرفتار شدند. مادر و پدرهای داغدار عزادار شدند. کینه ها ماند تا کجا سر باز کند. علی الحساب، خسارت این تظاهرات حدود هزار میلیارد تومان به بانک ها/پمپ بنزین ها/فروشگاه ها و...بود که باز پول آن را دولت باید از بیت المال پرداخت نماید.

بعد از این نباید منتظر امداد خدا بود. خدا بداد کسی می رسد که به یاد او باشند.

باید خود برنامه ریزی کرد. اصلاحات را از خود شروع کرد. ساختارها را مردمی کرد. صرفه جوئی ها را سرلوحه خود و دیگران کرد. کارها را به شایستگان سپرد. چه جوان باشند و چه پیر. مخلوط این دو ارجمند است. **آقازاده های بد را باید به صلیب بست. خیانتی که اینها کردند صدام نکرد. اینها به آرمانهای شهدا پشت پا زدند. اعتبار و اعتمادها را یک شبه بر باد دادند.**

یک کام از او خوردم

یک کام از این خوردم

صد کام کجا خوردم

یکبار حرام خوردم

امان از دست آقازاده های بد. چه در صدر اسلام و چه در ذیل اسلام.

کاری به خود کردیم

اصحاب به خود کردند

گردنه را بستند

جواز به نام خود کردند

وگرنه

ما خود طبیب بودیم

افراد خدا بودیم

الفاظ به ما دادند

الفاظ کجا خوردیم

وقت دعای مسخره بنده است:

دعا کنیم کدو با خیار هم اطاق شوند

لبو در زمستان بیشمار شود

قاب عکس پدر در بوستان سرشمار شود

شاعر به شعر خود سرشناس شود